

تقی زاده «آلت فعل» بیگانگان

۸ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۹

روز هشتم بهمن ۱۳۴۸ خورشیدی سیدحسن تقی زاده استاد اعظم لژ فراماسونری، عاقد پیمان داری در ۱۳۱۲ و از چهره های اصلی مبارزه با دیانت در نهضت مشروطه، در سن ۹۴ سالگی در تهران درگذشت.

روز هشتم بهمن ۱۳۴۸ خورشیدی سیدحسن تقی زاده استاد اعظم لژ فراماسونری، عاقد پیمان داری در ۱۳۱۲ و از چهره های اصلی مبارزه با دیانت در نهضت مشروطه، در سن ۹۴ سالگی در تهران درگذشت.

اگر چه این نوشتار عهده دار به تصویر کشیدن چهره تقی زاده به عنوان یکی از شخصیت‌های سیاسی صاحب نام در تاریخ معاصر ایران است، اما آنچه بیشتر توجه نگارنده را به خود معطوف داشته تبیین مواضع و عملکرد یکی از جریان‌های سیاسی است که در حساسترین فرازهای تاریخ معاصر ایران، یعنی نهضت مشروطه، ایفای نقش نموده و تقلاًزاده نیز در شمار یکی از اعضای شاخص و چهره‌های بارز این جریان سیاسی است؛ جریانی که تحت عنوان «روشنفکری» در بسیاری از حوادث دوران مشروطه و قبل و بعد از آن به صورت پنهان و آشکار دخیل بوده است.

نهضت مشروطه، در آغاز همچون سایر قیام‌های عدالتخواهانه مردم دین باور از جمله: نهضت تحریم استعمال تنباکو، از پایگاه‌های سنتی و مردمی این دیار، یعنی مساجد، حسینیه‌ها، تکایا و بقاع متبرکه، به رهبری روحانیت، شروع شده و با قیام مردم متدینی که با انگیزه مبارزه باحکام جور و عمل به تکلیف شرعی، گرد علم عدالتخواهی و استبداد ستیزی گرد آمده بودند، بدون توسل به خشونت و خونریزیهای متداول در این گونه قیام‌ها، تا تحقق اهداف خویش، ادامه یافت. به گونه‌های که جریان فکری مذکور که غالب اعضای آن تحت تأثیر آرا و افکار لیبرال - دمکرات‌ها و مروجین سکولاریسم غرب بودند، به صورت فعالی به قیام ضد استبدادی و ضد استعماری مردم پیوستند. هر چند پیش از آغاز نهضت مشروطه، گروهی از این روشنفکران با تشکیل انجمن‌های سری و ترویج آرا و افکار غربیان با نشر و توزیع پارهای از کتب و مجلاتی که در داخل و خارج طبع می‌شد، به زعم خویش در جهت تنویر افکار مردم اقداماتی انجام داده و قشر خاصی از مردم را با دمکراسی غربی و تحولات دنیای غرب به صورت سطحی آشنا کرده بودند، اما اقدام اساسی آنان هنگامی شکل گرفت که جمعی از علما و روحانیون، به عنوان اعتراض به عملکرد مستبدین و ظلم و ستمی که ایادی دربار بر مردم روا می‌داشتند، پایتخت را ترک و به شهر مقدس قم مهاجرت کرده بودند. در همین مقطع بود که دستهای پنهان بیگانگان از آستین گروهی از این روشنفکران بیرون آمد و جریان ذلت بار و غرور بر باد ده «بست نشینی» در باغ سفارت انگلیس را سامان داد. تجمع مردمانی بآاطلاع از ترفندهای سیاسی سفارت انگلیس و وابستگان آن، در سفارت

انگلیس موقعیت مناسبی را فراهم آورد تا روشنفکران وابسته به سفارت و همفکرانشان، حرف خود را از زبان مردم یا به زبان مردم، مطرح سازند. روشنفکران سکولار که موفق شده بودند با سوء استفاده از احساسات مذهبی و شور انقلابی مردم، گروهی از مردم کوچه و بازار، کسبه و تعدادی از طلاب جوان را به باغ سفارت بکشاند و در مقابل پایگاههای سنتی قیامهای شیعی، پایگاه جدیدی در ظل پرچم دولت فخیمه بریتانیای کبیر تشکیل دهند(!) به منظور تحقق اهداف خویش، از زبان بست نشینان سفارت انگلیس بیانیه صادر و خواستههای خویش را مطرح و به علما امر و نهی مآگردند. چنانکه پس از صدور فرمان مشروطه و اجازه تأسیس مجلس شورای اسلامی توسط مظفردالدین، گردانندگان متحصن، از زبان مردم (بست نشینان) اعلام کردند به رغم تصمیم علما مبنی بر بازگشتشان به تهران و درخواستشان از بست نشینان در باب ترک سفارت، تا حذف واژه «اسلامی» از پس مجلس شورا و تبدیل آن به واژه «ملی»، سفارت انگلیس را ترک نخواهند گفت.

عدم پافشاری گروهی از رهبران روحانی مهاجر و مماشات آنان با روشنفکران، موجب تبدیل واژه اسلامی به واژه «ملی» شد. این موفقیت جریان فکری مزبور - که در پی برپایی نظامی لائیک در ایران بود- زمینهای فراهم کرد تا با اعتماد به نفس بیشتر در جهت تحقق اهداف خویش مجدانه به تلاش پردازد. ورود گروهی از این روشنفکران به مجلس شورا و واگذاری مسئولیت تدوین «پیش نویس» قانون اساسی از طرف نمایندگان به آنان، توفیق دیگری را برای این جریان رقم زد. رویارویی این گروه با نمایندگان متشرع در مجلس، به ویژه هنگام طرح پیشنویس قانون اساسی و لزوم بازنگری و تطبیق پیش نویس قانون اساسی با احکام شرع و مقاومت آنان در برابر این خواسته، دو دستگی و شکاف میان نمایندگان مردم را به دنبال داشت. مواضع دین ستیزانه این گروه از نمایندگان مجلس و هتک حرمت علما و متشرعین و موضعگیریهای سخیف آنان و مطبوعات وابسته به آنان در برابر اعتقادات و باورهای دینی مردم، وحدت مردم را شکست. به گونهای که از بروز این تفرقه و جدایی، دوباره مستبدین جان گرفتند و قدرت یافتند تا آنجا که مجلس منحل و به توپ بسته شد و دوره استبداد صغیر آغاز شد.

پس از فتح تهران و سقوط محمد علی شاه، گروهی از اعضای این جریان فکری که به دلیل وابستگی به اشرافیت درباری، حمایت سفارت انگلیس و عضویت در لژهای فراماسونری، از تعرض مستبدین در دوره استبداد صغیر مصون مانده بودند و برخی از آنان روزگار خویش را در کمال اعزاز و اکرام در بلاد فرنگ، نه در غربت که در قربت سپری کرده بودند، در کسوت قهرمانان ملی و پیشگامان نهضت ضد استبدادی در هیئت مدیره و دادگاه انقلابی بر اریکه قدرت نشستند و به عنوان متولیان مشروطیت زمام امور را در دست گرفتند. دادگاه انقلاب و هیئت مدیرهای که متعرض هیچیک از سردمداران حکومت استبدادی نشد و تنها برگ زرین عملکردش بردار کردن آیتالله شهید «شیخ فضل الله انوری» به جرم اسلام خواهی و عدم مماشات با بیگانگان و دست پروردگان سفارت انگلیس و اعضای لژهای فراماسونری بود؛ عمل شومی که وجهی نداشت، جز انتقام شکست بریتانیای کبیر از قیام مردم ایران به رهبری روحانیت در مقابل کمپانی رژی و در هم کوبیدن هیمنه نظام استعماری آنان!!

تقلیدزاده یکی از چهره‌های شاخص و شخصیت‌های اثرگذار وابسته به این جریان فکری بود. او روحانی زاده‌ای بود که چون سایر جوانان هم روزگار خویش، در حوزه علمیه زادگاهش تبریز دروس معمول و متعارف حوزوی را خوانده به حکم سنت ملبس به لباس روحانیت شد. اما از آغاز جوانی تحت تأثیر روشنفکرانی چون «طالبوف» و «میرزاملکم خان» قرار گرفت و با مطالعه آثار مکتوب

آنان و خواندن نشریاتی که از اسلامبول، مصر، کلکته، قفقاز، لندن و پاریس مخفیانه به ایران مآرسید، با آرای لیبرال دمکراتها آشنا شد و پیش از عزیمت به غرب، غربگرایی در ذهن و ضمیرش نضج یافت و رفته رفته به عنوان یک روشنفکر سکولار، تلاش خود را در جهت اشاعه آرای پیشکسوتان غربگرایی، در زادگاهش تبریز آغاز کرد و در دوره اول مجلس به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس راه یافت. وی عضو کمیته مخفی تهران یا لژ بیداری ایران بود. در تهیه پیش نویس قانون اساسی دخیل و به عنوان یکی از چهره‌های شاخص و فعال جریان روشنفکری، طرفدار جدایی دین از سیاست بود. تقی‌زاده شدیدترین خطابه‌ها را علیه نمایندگان متشرع مجلس به ویژه هنگام طرح لزوم بازنگری پیش نویس قانون اساسی و انطباق آن با قوانین شرع و ارائه اصل دوم قانون اساسی ایراد کرد. با حزب اجتماعیون - عامیون و شخصیت بارز آن - حیدر خان عمواغلی - مشهور به «بمبی» در ارتباط بود و سرانگشت اتهام همکاری با وی در برنامه ریزی و عملیات تروریستی از جمله ترور اتابک، محمد علی شاه و شیخ فضل‌الله‌نوری به سوی او نشانه مآرفت.

اگر چه در روز واقعه به توپ بستن مجلس، بر خلاف انتظار در کنار مردم و نمایندگان نبود، اما شبانگاه همان روز، به همراه چند تن از یارانش به سفارت انگلیس پناه برد و پس از چندی تحت حمایت سفارت انگلیس به اروپا عزیمت کرد. پس از فتح تهران و سقوط محمد علی‌شاه، عضو «هیئت مدیره» شد و در زمره کسانی درآمد که با تأیید حکم بردار کردن شیخ فضل‌الله‌نوری، زمینه ساز شکست نهضت مشروطه شدند. عملکرد گذشته و مواضع تند و دین ستیزانه او در مجلس دوم به عنوان لیدر حزب دمکرات، موجب شد تا علمای مشروطه خواه نجف او را تفسیق کنند. شهرت ترور سید عبدالله بهبهانی به دستور حزب دمکرات و تظاهرات اعتراض‌آمیز مردم علیه حزب دمکرات و رهبران آن و مطرح شدن حکم تفسیق، عرصه را بر تقی‌زاده چنان تنگ کرد که مجبور به خروج از ایران گردید.

در آغاز جنگ جهانی اول، ظاهراً بنا به خواست آلمانها و در واقع به دستور سرویس اطلاعاتی بریتانیا برای مبارزه با روس و انگلیس، کمیته برلن را که هدفش مبارزه با روس و انگلیس اعلام شده بود، تشکیل داد و در کنار حسینقلی خان نواب، چهره شاخص وابسته به سفارت انگلیس که در آن زمان به اصرار تقی‌زاده به عنوان سفیر ایران در آلمان مأموریت یافته بود، نقش پیچیده و بحث برانگیزی را ایفا کرد. در جریان انتقال سلطنت به خاندان پهلوی، به عنوان یکی از شخصیت‌های مدعی پیشگامی در نهضت مشروطیت و حامی قانون اساسی، به عنوان مخالف طرح خلع قاجاریه از سلطنت سخن گفت، اما به رغم مخالفتش با انتقال سلطنت به رضاخان، در دوران سلطنت رضاخان، چون گذشته مورد عنایت خاصه رضاخان قرار داشت! او در آغاز سلطنت رضاخان، مدتی به عنوان والی خراسان و سپس به عنوان سفیر ایران در لندن خدمت کرد. در دوره سفارتش در لندن، در جریان بازی سیاسی تمدید قرارداد داریسی قرار گرفت و پس از چندی برای ایفای نقش در خیمه شب بازی تمدید قرارداد داریسی به ایران فراخوانده شد و به عنوان وزیر دارایی در این بازی شرکت جست و به عنوان طرف ایرانی، این قرار داد ننگین را امضا کرد.

نظام استبدادی که هیئت حاکمه آن به زور بر مردم سیطره یافته، فاقد پشتوانه مردمی است و برای بقای حکومت خویش از هیچ ظلم و ستمی بر مردم، فرو گذار نمی‌کند و همواره دولت در مقابل مردم قرار دارد، جز جلب حمایت بیگانگان چاره‌ای ندارد و طبعاً چنین دولتهایی جز در جهت منویات بیگانگان گامی بر نمی‌دارند. در چنین نظامهایی، سرنوشت افرادی چون تقی‌زاده که به مردم

و باورها و اعتقادات آنان پشت کرده‌اند چیزی نیست جز تبدیل شدن به «آلت فعل» دولتهای مستبد و ضد مردمی و تن دادن به منویات بیگانگان.

منبع: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، بهار ۱۳۸۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۴۲۷/بیگانگان-فعل-آلت-زاده-تقی/۲۹۴۲۷>